



Original Article

Study of the Cross-Examination of Witnesses in the American Judicial System with the Feasibility of Its Acceptance in Iranian Law

Nahid Safari¹ 

ABSTRACT

Regarding the widespread use of witness testimony, ascertaining its validity is always considered as a concern of legal systems which each of them, according to its legal basis, has clarified the conditions of its validity. In the American legal system, the process of cross-examination of a witness is one of the ways to ensure the validity of the testimony of the witnesses, which is done by asking the witness numerous questions by the other side of the case or his lawyer. In Iranian law, despite the provision for the court to question the witness, cross-examination of witness by lawyers and litigants is not possible. The existence of other solutions to guarantee the validity of the witness should be considered as the main reason for not paying attention to this institution. The difference in the type of legal system historically and the existence of some special concepts in America are other reasons that have been considered for explaining the varieties in the current research. Since the issue of false testimony is one of the problems of Iran's judicial system and the inadequacy of the provisions related to the validation of witnesses testimony has been proven in practice, in the present study, in order to solve the problems related to false testimony, the solution available in the legal system of America has been examined and in order to review the feasibility of accepting this institution in Iranian law, while discussing the cross-examination and the necessities and reasons for accepting that in America and comparing it with Iranian law, we are trying to answer this question that considering the differences between the two legal systems, is it possible to accept cross-examination in Iran's legal system? The evaluation of this institution in American law and the problems of existing solutions in Iranian law confirm that while maintaining the current regulations, cross-examination can be used as a complementary solution to reduce the problems related to false testimony.

KeyWords: Cross-Examination, American Legal System, False Testimony, Adversary System, Disclosure of Reason, Jury

How to Cite: Safari, Nahid, " Study of the Cross-Examination of Witnesses in the American Judicial System with the Feasibility of Its Acceptance in Iranian Law", Legal Research, Vol. 27, No. 108, 2024, pp: 155-170.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2024.228104.2266>

Received: 22/07/2022-Accepted: 02/03/2024

1. Assistant Professor, Faculty of Humanities, University of Maragheh, Maragheh, Iran
Corresponding Author Email: nsafari@maragheh.ac.ir



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



بررسی پرسش متقابل از شاهد در نظام دادرسی آمریکا با امکان‌سنجی پذیرش آن در حقوق ایران

ناهد صفری^۱

چکیده

به لحاظ کاربرد گسترده شهادت شهود، اطمینان یافتن از اعتبار این دلیل همواره از دغدغه‌های نظام‌های حقوقی محسوب شده و هر نظام حقوقی با توجه به مبانی حقوقی خود شرایط اعتبار آن را تبیین کرده است. در نظام حقوقی آمریکا فرایند پرسش متقابل از شاهد یکی از راهکاری تضمین اعتبار شهادت شهود است که از طریق طرح پرسش‌های متعدد از شاهد توسط طرف مقابل دعوا یا وکیل او صورت می‌گیرد. در حقوق ایران علی‌رغم پیش‌بینی اختیاراتی برای دادگاه برای پرسش از شاهد، پرسش متقابل از شاهد توسط وکلا و اصحاب دعوا امکان‌پذیر نیست. وجود راهکارهای دیگر برای تضمین اعتبار شاهد را باید دلیل اصلی عدم توجه به این نهاد دانست. تفاوت در نوع نظام حقوقی از حیث تاریخی و وجود برخی مفاهیم خاص در آمریکا از دیگر دلایلی است که در تبیین تفاوت‌ها مورد توجه پژوهش حاضر قرار گرفته است. از آنجا که مسئله شهادت کذب از معضلات نظام دادرسی ایران محسوب می‌شود و ناکافی بودن مقررات مربوط به اعتبارسنجی شهادت شهود در حقوق ایران در عمل اثبات شده، در پژوهش حاضر برای حل مشکلات مربوط به شهادت کذب راهکار موجود در نظام حقوقی آمریکا مورد بررسی قرار گرفته و به‌منظور بررسی امکان‌سنجی پذیرش این نهاد در حقوق ایران، ضمن بررسی پرسش متقابل و ضرورت‌ها و دلایل پذیرش آن در آمریکا و مقایسه آن با حقوق ایران، درصدد پاسخ به این سؤال هستیم که با توجه به تفاوت‌های دو نظام حقوقی، امکان پذیرش پرسش متقابل در نظام حقوقی ایران وجود دارد؟ ارزیابی این نهاد در حقوق آمریکا و مشکلات راهکارهای موجود در حقوق ایران مؤید آن است که ضمن حفظ مقررات فعلی، می‌توان پرسش متقابل را به‌عنوان راهکاری مکمل برای کاهش مشکلات مربوط به شهادت کذب استفاده کرد.

کلید واژگان: پرسش متقابل، نظام حقوقی آمریکا، شهادت کذب، دادرسی اتهامی، افشای دلیل، هیئت منصفه.

استناد به این مقاله: صفری، ناهید، «بررسی پرسش متقابل از شاهد در نظام دادرسی آمریکا با امکان‌سنجی پذیرش آن در حقوق ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۷، شماره ۱۰۸، دی ۱۴۰۳، صص: ۱۵۵-۱۷۰.

DOI: <https://doi.org/10.48308/jlr.2024.228104.2266>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

۱. استادیار، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مراغه، مراغه، ایران
ایمیل نویسنده مسئول: nsafari@maragheh.ac.ir



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقدمه

شهادت شهود به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا مورد توجه تمام نظام‌های حقوقی است و هر نظام حقوقی برای تضمین اعتبار و صحت آن، متناسب با مبانی حقوقی خود شرایطی برای آن مقرر کرده است. از جمله راهکارهای مهم نظام‌های کامن لایی، نهاد پرسش متقابل از شاهد است که از طریق طرح پرسش‌های متعدد از شاهد توسط طرف مقابل دعوا یا وکیل او، امکان بررسی قابلیت اطمینان، دقت و اعتبار شهادت شاهد فراهم می‌شود اهمیت این نهاد در حقوق امریکا دوچندان است و پرسش متقابل از شاهد نقش مهمی در رسیدگی‌های قضایی ایفا می‌کند. کاربرد گسترده این نهاد توسط وکلا در امریکا تا حدی است که آن را به یکی از ویژگی‌های خاص این نظام حقوقی مبدل کرده است. مسائل مربوط به غیرقابل اعتماد بودن شاهد، کذب بودن اظهارات شاهد و فراموشی او تا حد زیادی از طریق این پرسش‌ها قابل رفع هستند. در امریکا علی‌رغم پیش‌بینی برخی محدودیت‌ها برای رفع سوءاستفاده، پرسش متقابل قلمرو گسترده‌ای دارد و برای وکلای با تجربه این امکان را فراهم می‌کند که با استفاده مناسب از آن، نتیجه مطلوب را در پرونده حاصل کنند.

در نظام حقوقی ایران به منظور تضمین اعتبار شهادت، شرایطی برای شهود و نحوه ادای گواهی آنها توسط قانون‌گذار پیش‌بینی شده است. جرح و تعدیل شهود و پیش‌بینی ضوابطی درخصوص امکان پرسش از شاهد توسط دادگاه، از مقرراتی است که در راستای تضمین شهادت شهود وجود دارد. بررسی مقررات موجود مؤید آن است که در حقوق ایران پرسش متقابل از شاهد توسط وکلا و اصحاب دعوا امکان‌پذیر نیست و علی‌رغم پیش‌بینی اختیاراتی برای دادگاه برای پرسش از شاهد، قانون‌گذار، امکان پرسش از شاهد توسط وکلای طرف مقابل را پیش‌بینی نکرده است. در تبیین چرایی عدم توجه به این نهاد، وجود راهکارهای دیگر برای تضمین صداقت شاهد را باید دلیل اصلی محسوب نمود. تفاوت‌های دو نظام حقوقی از حیث تفتیشی و اتهامی بودن به‌عنوان دلیل تاریخی و وجود نهادها و مفاهیم خاص در نظام حقوقی امریکا به عنوان مکمل پرسش متقابل، از دیگر دلایلی است که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

گسترش شهادت‌های کذب و ایجاد پدیده‌ای شوم با عنوان شاهدان دروغین و حرفه‌ای مؤید ناکافی بودن مقررات مربوط به تضمین اعتبار شهادت شهود در حقوق ایران است. در واقع باید پذیرفت که اگرچه مقررات مربوط به شهود و شرایط قانونی همانند ایمان و عدالت ضامن صداقت شاهد است، در عمل برخی خلأهای قانونی از جمله فقدان معیارهای عینی برای تشخیص ایمان و عدالت از یک طرف و کم رنگ شدن باورهای مذهبی از طرف دیگر موجب سوءاستفاده‌هایی در این زمینه شده است. با توجه به دغدغه جدی دستگاه قضایی برای کاهش مشکلات مربوط به شهادت کذب که منجر به اقداماتی همانند ایجاد سامانه‌ای برای ثبت مشخصات شهود شده، استفاده از تجارب سایر نظام‌های حقوقی نیز می‌تواند راهگشا باشد. تجربه موفق امریکا در این عرصه می‌تواند به‌عنوان راهنمایی در حقوق ایران مورد توجه قرار گیرد. تفاوت در مبانی دو نظام حقوقی، نباید مانعی برای بررسی و ارزیابی موضوع محسوب شود. بلکه لازم است با بررسی دقیق تفاوت‌های دو نظام حقوقی و چرایی پذیرش این نهاد در نظام حقوقی امریکا و چرایی عدم پذیرش آن در نظام حقوقی ایران، امکان‌سنجی پذیرش آن در حقوق ایران به دقت ارزیابی شود. در نوشتار حاضر با چنین رویکردی، ضمن بررسی مفهوم، شرایط و کارکرد پرسش متقابل و پس از بیان ضرورت‌ها و دلایل پذیرش آن در امریکا در مقایسه با نظام حقوقی ایران و پس از تبیین وضعیت شهادت در حقوق ایران، پذیرش این نهاد به‌عنوان راهکاری مکمل برای حل مشکلات مربوط به شهادت کذب پیشنهاد شده است.

۱. مفهوم و شرایط پرسش متقابل از شاهد در نظام دادرسی آمریکا

پرسش از شاهد طرف مقابل به معنای سؤال یکی از طرفین دعوا یا وکیل او از شاهد طرف مقابل در جلسه دادرسی است. این پرسش‌ها به چند صورت از جمله پرسش مستقیم^۱، پرسش متقابل^۲ و پرسش مجدد^۳ صورت می‌گیرد. از این میان، پرسش متقابل اهمیت قابل توجهی در نظام حقوقی آمریکا دارد که موضوع اصلی این نوشتار است.

بند ۳۰ ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا اجازه پرسش از شاهد را با ارجاع به قانون ادله فدرال فراهم کرده است. مواد ۶۰۱ تا ۶۱۵ قانون ادله به موضوع شهادت پرداخته است. پرسش مستقیم فرایندی است که شهادت هر یک از طرفین در مرحله اول مطرح می‌شود پرسش از شاهد به‌طور مستقیم توسط وکیل، صورت می‌گیرد و شاهد باید هر سؤال را بلافاصله پاسخ دهد. پرسش متقابل از شاهد فرایندی است که پس از پرسش مستقیم مطرح و طرف مقابل دعوا، پرسش‌هایی به قصد خدشه‌دار کردن شهادت شاهد از او می‌پرسد. هدف از این پرسش‌ها معمولاً کشف حقیقت است. البته امکان پرسش مجدد نیز وجود دارد که روندی است که بلافاصله پس از پرسش متقابل مطرح می‌شود این پرسش‌ها به قصد رفع برخی ابهامات یا تردیدهایی است که وکیل مقابل در ارتباط با اظهارات شاهد او ایجاد کرده است. به‌همین دلیل محدود به موضوعات مطرح‌شده در پرسش متقابل است. این روند ممکن است با پرسش مستقیم مجدد^۴ ادامه یابد. در این صورت طرف دیگر نیز می‌تواند از دادگاه بخواهد اجازه پرسش متقابل مجدد را صادر کند که در این شرایط، محدود به موارد مطرح‌شده در پرسش مستقیم مجدد است.^۵

در قانون ادله فدرال، پرسش از شهود قلمرو گسترده‌ای دارد و از نظر دامنه و مدت زمان نامحدود است. ماده ۶۱۱ اجازه پرسش متقابل در خصوص هر موضوع مرتبط با دعوا را می‌دهد. باوجوداین، گاهی قوانین موضوعه ایالتی، رویه قضایی و قوانین کامن‌لا در قلمرو پرسش‌ها محدودیت‌هایی ایجاد کرده‌اند. یکی از محدودیت‌ها ماده ۴۰۳ قانون ادله است که در خصوص تمام ادله از جمله پرسش متقابل به کار می‌رود. این ماده مقرر می‌دارد که دادگاه‌ها مجازند در صورتی که خطر قابل توجه از جمله تعصب غیرمنصفانه، انحراف موضوع، گمراه کردن هیئت منصفه، تأخیر غیرموجه، اتلاف وقت یا ارائه مدارک متراکم وجود داشته باشد، دلیلی را نپذیرند. همچنین مسئله اعتبار شهود نیز می‌تواند مورد پرسش قرار گیرد. مطابق با ماده ۶۰۸ این قانون، شهرت شاهد مبنی بر داشتن شخصیت غیرصادق از مواردی است که می‌تواند اعتبار شاهد را زیر سؤال برد. در صورتی که فرد ادعای غیرصادق بودن شاهد را داشته باشد، باید دلیل بیاورد. مفهوم مخالف ماده مؤید آن است که در صورت عدم ایراد، اصل بر راستگو بودن است. البته در قانون شرایطی برای شهود پیش‌بینی نشده است. باوجوداین، گاه رویه قضایی محدودیت‌هایی ایجاد کرده است. از این میان می‌توان به مستی، مشکلات حافظه، سوء شهرت، تعصب، پیش‌داوری یا سایر ویژگی‌های عاطفی که می‌تواند باعث شهادت دروغ یک شاهد شود، اشاره کرد. در مقایسه با پرسش مستقیم، پرسش متقابل محدودیت‌های بیشتری دارد. پرسش متقابل اصولاً شامل موضوعاتی است که در پرسش مستقیم مورد بررسی قرار گرفته و مطابق با بند ب ماده ۶۱۱ قانون ادله فدرال، طرح موارد جدید صرفاً در مواردی امکان‌پذیر است که در محدوده موضوع اصلی پرسش مستقیم باشد یا مربوط به موارد مؤثر در ارزیابی شهادت شاهد باشد. در رویه قضایی نیز برخی محاکم با توسل به این ماده و با تفسیر مضیق آن، حق بر پرسش متقابل را صرفاً شامل

۱. Direct Examination

۲. Cross-Examination

۳. Re-Examination

۴. Redirect Examination

۵. ماده (ب) ۶۱۱ قانون ادله فدرال.

موضوعات مطرح شده در پرسش مستقیم و اعتبار شاهد می‌دانند و اگر طرف مقابل بخواهد در پرسش متقابل به موضوعات دیگری اشاره کند، ابتدا باید شاهد را مورد پرسش مستقیم قرار دهد. تفسیر دیگری که توسط برخی از محاکم اتخاذ و اصطلاحاً «قاعدهٔ میشیگان» نامیده می‌شود، موسع‌تر است و قلمرو پرسش متقابل را نه صرفاً در موضوعات مطرح شده در پرسش مستقیم، بلکه در پرسش‌هایی می‌داند که موجب اصلاح، توضیح یا رد پرسش مستقیم می‌شود.^۱

در خصوص نوع سؤالات و نحوهٔ طرح آن نیز ضوابطی وجود دارد. از نظر اخلاقی در هنگام پرسش متقابل وکیل صرفاً زمانی می‌تواند از شاهد سؤال کند که دلیل قانونی و واقعی داشته باشد. آرزو، تفکر شهودی، برداشت‌های مبتنی بر کنجکاوی ساده کافی نیست. همچنین برای طرح سؤال، ادله باید قابل قبول بوده و مبنای مناسبی داشته و سؤال باید در قالب مناسبی هم مطرح شود.^۲ محدودیت دیگر در خصوص طرح سؤالات تلقینی است. اگرچه برخلاف پرسش مستقیم که جز در موارد ضروری، امکان طرح سؤالات تلقینی وجود ندارد، در پرسش متقابل این امکان وجود دارد. باوجوداین، مطابق با بند ۳ ماده ۶۱۱ قانون ادله صرفاً در مواردی سؤالات تلقینی مجاز است که طرح سؤالات در جهت توسعه شهادت ضروری باشند. از جمله مثال‌هایی که برخی نویسندگان در تبیین این ماده مطرح کرده‌اند عبارت از سؤالاتی است که توجه شاهد را به یک موضوع خاص هدایت می‌کند؛ سؤالاتی که خطاب به شهودی است که در درک سؤال دچار مشکل هستند. سؤالات مربوط به موضوعات حساس یا ظریف، سؤالاتی که به یک شاهد در یادآوری کمک می‌کند، سؤالاتی که به منظور رد کردن شهادت شاهد دیگر مطرح می‌شود، سؤالات مربوط به موضوعات مقدماتی و سؤال دربارهٔ موضوعات غیر اختلافی.^۳ همچنین طرح سؤالات تلقینی مشروط بر این است که سؤالات روشن، واضح و منسجم باشند. اگر سؤالی مبهم بوده یا احتمال گمراهی شاهد یا هیئت منصفه وجود داشته باشد، وکیل طرف مقابل می‌تواند اعتراض کند و قاضی می‌تواند پرسشگر را ملزم به طرح سؤال به شکل مناسب و واضح کند. همچنین استفهام انکاری، سخنرانی، نتیجه‌گیری شخصی و اظهارنظر به جای پرسش ممنوع است.^۴

مسئلهٔ دیگری که در عمل در قلمرو پرسش‌ها محدودیت ایجاد می‌کند، تکرار پرسش‌هاست. به موجب قواعد حاکم بر پرسش مستقیم، تکرار پرسش ممنوع است. اما در پرسش متقابل، بالاخص در پرسش از شاهدانی که از پاسخ اجتناب می‌ورزند، پرسشگر آزادی عمل بیشتری دارد و می‌تواند سؤال خود را تکرار کند. این فرایند را در اصطلاح غربال کردن شاهد می‌نامند. البته در این زمینه قاضی از اختیار نامحدودی برخوردار است و در صورتی که تکرار پرسش را بی‌فایده بداند، می‌تواند آن را محدود کند. در سایر موارد نیز اختیاراتی برای قضات پیش‌بینی شده است. قاضی بر مدت و محتوای پرسش نظارت دارد. مادهٔ ۶۱۱ اهداف نظارت دادگاه را وصول به حقیقت، اجتناب از اتلاف وقت و حمایت از شهود در برابر آزار و اذیت ناروا برشمرده است. به‌طور کلی قاضی زمانی می‌تواند پرسش متقابل را محدود کند که طرف مقابل فرصت عادلانه و قابل توجه برای اعمال حق خود را داشته باشد. همچنین قاضی می‌تواند شاهد را ملزم کند که صرفاً به سؤالات متناسب پاسخ دهد. ادامهٔ امتناع از پاسخ توسط شاهد ممکن است مجازات توهین به دادگاه را به دنبال داشته

^۱. Tanford, A. "Keeping Cross-Examination Under Control", *American Journal of Trial Advocacy*, Volume 18, 2002, PP 285, 286.

^۲. Ibid, P 287.

^۳. White, Penny. "Examination, Cross-Examination, and Redirect Examination", 2015, Available at: https://www.sog.unc.edu/sites/default/files/course_materials/White_Examination.pdf/, P 3.

^۴. Tanford, Op. Cit., PP 291-292.

باشد.^۱ در مواردی که پرسش متقابل به طور موجه مورد اعتراض قرار گیرد، قاضی می‌تواند تمام یا بخشی از پرسش متقابل انجام‌شده را باطل اعلام کند. تدقیق در مقررات مربوط به پرسش از شاهد و رویه قضایی موجود، مؤید آن است که اصولاً در فرایند پرسش متقابل قضات نقش فعالی دارند و همان‌طور که برخی اشاره کرده‌اند، این حق مطلق نیست و تحت نظارت و دادگاه قرار دارد.^۲ در یکی از آرای صادره در دیوان عالی پنسلوانیا^۳ به قاعده‌ای در این خصوص اشاره شده است. در این رأی که در موضوع جبران خسارت بود، دیوان، ضمن اعلام این مسئله که دادگاه بدوی با محدود کردن پرسش متقابل از اختیار خود سوءاستفاده کرده، این قاعده را بیان می‌کند که قلمرو و محدوده پرسش متقابل به صلاحدید قاضی رسیدگی‌کننده مشخص می‌شود و تصمیم قاضی در تعیین محدوده پرسش متقابل جز در صورت سوءاستفاده آشکار یا خطای قانونی، نقض نخواهد شد.

۲. اهمیت و کارکرد پرسش متقابل از شاهد در نظام دادرسی آمریکا

پرسش متقابل از شاهد از مفاهیم مهم نظام دادرسی آمریکا به شمار می‌رود و نقش مهمی در رسیدگی‌های قضایی ایفا می‌کند. جمله معروف و بیگمور، حقوق‌دان برجسته آمریکایی، با این بیان که «بی‌تردید پرسش متقابل بزرگ‌ترین موتور قانونی است که تاکنون برای کشف حقیقت اختراع شده است.» در بیان اهمیت این نهاد مورد استناد است.^۴ اهمیت این نهاد در آمریکا به اثر آن در کشف حقیقت بازمی‌گردد. از دیدگاه برخی نویسندگان، اگر همه شهود صداقت کافی برای بیان حقیقت داشته و اگر وکلای اصحاب دعوا واجد تجربه لازم و صداقت و ذکاوت کافی برای اثبات حقیقت باشند، لزومی به پرسش متقابل وجود نداشت؛ اما تاکنون جایگزینی برای پرسش متقابل به‌عنوان وسیله تمیز حقیقت از دروغ کشف نشده است.^۵ همان‌طور که برخی به درستی اظهار کرده‌اند، علت این مسئله آن است که دروغ گفتن برخلاف آنچه ممکن است تصور شود کار آسانی نیست. وکیل یک طرف در سؤال از شاهد طرف مقابل معمولاً به یک یا چند سؤال پراکنده اکتفا نمی‌کند، بلکه پرسش‌های متعددی را بر مبنای یک استراتژی حساب‌شده مطرح می‌کند تا کذب بودن یا نقاط ضعف اظهارات شاهد معلوم شود. بنابراین از آنجا که عملاً غیرممکن است یک شاهد پاسخ تمامی سؤالات متعدد را از پیش مهیا کرده تا بتواند به همه آنها پاسخ منسجم و هماهنگ بدهد، یک وکیل آشنا به رموز سؤال از شاهد، در این کار توفیق می‌یابد.^۶ به همین دلیل است که از نظر برخی حقوق‌دانان آمریکایی پرسش متقابل از دشوارترین وظایف وکلاست و به نبوغ عظیم، عادت تفکر منطقی، روشنایی ادراک، صبر و کنترل زیاد، قدرت خواندن ذهن افراد به منظور قضاوت شخصیت آنها و درک انگیزه درونی آنها، دانش استادانه درباره موضوع اصلی، احتیاط شدید و بیشتر از همه، گزینه برای کشف نقاط ضعف در شاهد تحت پرسش نیاز دارد و به‌نوعی دوئل روانی بین وکیل و شاهد تلقی می‌شود.^۷

^۱. Ibid, P 248.

^۲. تقی‌پور، علیرضا، «محدودیت‌های حق پرسش متهم از شاهد در قواعد دادرسی و رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی»، نشریه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر (فقه و حقوق اسلامی سابق)، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۹۰، ص ۲۱.

^۳. 532 Pa. 563 (1992)–616 A.2d 977–COMMONWEALTH of Pennsylvania, Appellee, v. Monty BIRCH, Appellant. Supreme Court of Pennsylvania. 1992. available at: <https://law.justia.com/cases/pennsylvania/supreme-court/1992/532-pa-563-0.html/>

^۴. Fluet, C. Lanzi, T. "Cross-Examination", *Centre de recherche sur les risques les enjeux économiques et les politiques publiques*, 2021, Available at: <https://ssrn.com/abstract=3959937/>

^۵. Wellman, F. *The art of cross examination*, New York: The New York times review, 2014, P 14.

^۶. ریاضی، علی اکبر، «پرسش از شاهد طرف مقابل»، *مجله کانون وکلا*، دوره جدید، شماره ۱۵۰ و ۱۵۱، ۱۳۶۹، ص ۱۴۷.

^۷. Ibid, P 13, 14.

در روند پرسش متقابل از شاهد، اگر شهادت شاهد دروغ باشد پرسش متقابل باعث می‌شود تا شهادت او بی‌اعتبار شود. در صورتی که تنها قسمتی از شهادت شاهد صحیح باشد، با استفاده از پرسش متقابل، قسمت کذب یا غیرواقعی شهادت بی‌اعتبار می‌شود. در صورتی که شهادت شاهد مبالغه‌آمیز باشد، می‌توان قسمت‌های اغراق‌آمیز شهادت را به حداقل کاهش داد و ابعاد راستین شهادت را استخراج کرد. علاوه بر دروغ، ممکن است شاهد دچار اشتباه یا فراموشی شود که پرسش متقابل در این خصوص هم کارکرد دارد. این مسئله به‌ویژه در خصوص شهودی صادق است که از زمان تحمل شهادت آنها مدت زمان زیادی گذشته و پرسش متقابل در این زمینه به شاهد برای توضیح اتفاق به شکل صحیح آن، مساعدت خواهد کرد.^۱ کاربرد گسترده پرسش متقابل در امریکا باعث شده برخی حقوق‌دانان به منظور افزایش کیفیت فرایند پرسش متقابل، اصولی تحت عنوان اصول دهگانه پرسش متقابل مطرح کنند. این اصول عبارت‌اند از اینکه: سوالات باید مختصر باشند. از سوالات کوتاه و کلمات ساده استفاده شود. فقط سوالات اصلی پرسیده شود. در صورت ندانستن جواب، سؤال پرسیده نشود. به پاسخ‌های شاهد به دقت گوش داده شود. با شاهد مشاجره صورت نگیرد. به شاهد اجازه تکرار داده نشود. به شاهد اجازه توضیح داده نشود. یک سؤال به صورت تکراری پرسیده نشود.^۲ البته باید خاطر نشان کرد که اگرچه پرسش از شهود در نظام حقوقی امریکا بسیار رایج است و معمولاً در اکثر دعاوی از آن استفاده می‌شود، با وجود این، این مسئله به معنای ضرورت استفاده از آن در تمام دعاوی نیست. در برخی موارد این پرسش‌ها به لحاظ هدف‌دار نبودن، نوعی حمله ضعیف به شخصیت شاهد تلقی و نتیجه مطلوبی نخواهد داشت. به همین دلیل برخی بر این باورند که در شرایطی استفاده نکردن از پرسش متقابل نتیجه مطلوب‌تری در پی خواهد داشت. از جمله دلایلی که برای عدم استفاده از پرسش‌ها بر شمرده‌اند عبارت‌اند از: ۱. شاهد هیچ شهادت مفید یا موثقی برای ارائه نداشته باشد. ۲. شاهد در مورد مسئله غیرقابل اعتراضی شهادت داده یا شهادت شاهد لطمه به ادعای پرسشگر وارد نکرده باشد. ۳. شاهد به ادعای پرسشگر اعتراض کرده و پرسشگر دلیلی برای رد آن نداشته باشد.^۳

در پایان اشاره به این نکته ضروری است که مزایای غیرقابل انکار این مفهوم و کارکرد مهم آن در تحقق دادرسی عادلانه، به معنای بری بودن آن از نقص نیست و امکان سوءاستفاده از آن و تحریف حقیقت نیز وجود دارد و باید تأکید کرد که صرفاً استفاده درست از آن می‌تواند از معیارهای دادرسی عادلانه باشد. حتی کسانی همانند ویگمور که پرسش متقابل را بزرگ‌ترین نهاد قانونی برای کشف حقیقت می‌دانند، معتقدند که با توجه به توان بالقوه آن برای تحریف حقیقت، باید مورد کنترل قرار گیرد. زیرا ممکن است وکیل از طریق پرسش متقابل حقیقت را دروغ جلوه دهد.^۴ از نظر برخی حقوق‌دانان امریکایی، این امر به‌ویژه در خصوص شاهدان کودک و معلول صادق است و در همین راستا استفاده از پرسش متقابل علیه کودکان و معلولان به شکل کنونی آن مورد انتقاد قرار داده و ضرورت انجام اصلاحات در فرایند این پرسش‌ها را مطرح کرده‌اند. استفاده از یک پرسشگر مستقل و متخصص و ضبط ویدئویی آن از جمله راهکارهای پیشنهاد شده است.^۵ کاهش تأخیر در محاکمه، اجازه استفاده از افراد حمایت‌کننده در دادرسی، اجازه دادن به کودکان برای شهادت به

¹. Ibid, P 9, 12.

². Malone, P. "Burying the Ten Commandments of Cross-Examination", *Litigation*, Volume 43, Issue 1, 2016, P 51.

³. Tanford, A. *The Trial Process: Law, Tactics and Ethics* – Chapter 7 Cross-Examination, Carolina Academia Press, Fourth Edition, 2010, P 296.

⁴. Wigmore, John Henry. *Evidence in Trials at Common Law*, Volume 11, Little, Brown, 1985, P 1367.

⁵. Bowden, P. Plater, D. "Balancing fairness to victims, society and defendants in cross examination of vulnerable witness: an impossible triangulation?", *Melbourne University Law Review*, Volume 37, 2014, PP 543, 560.

روش‌های دیگر مانند شهادت از پشت صفحه نمایش از دیگر راهکارهاست. همچنین با توجه به برخی یافته‌های علمی و تأثیر گذشت زمان طولانی از حادثه بر حافظه کودکان، انجام پرسش متقابل در زمانی نزدیک به زمان رویداد موردنظر، از جمله راهکارهای پیشنهادی است. در آمریکا در این راستا یکی از راهکارهای پیش‌بینی‌شده، ثبت پرسش متقابل در زمان مطرح شدن ادعاست.^۱ در رویه قضایی آمریکا نیز شاهد آرای هیستیم که در فرایند پرسش متقابل کودکان تغییراتی ایجاد کرده‌اند. به‌عنوان مثال، در دعوی مرلیند^۲ دادگاه عالی اعلام کرد که استماع شهادت کودک از طریق تلویزیون مداربسته، اگرچه حق متهم را برای رویارویی با شهود علیه خود را نقض می‌کند، مغایر با اصلاحیه ششم قانون اساسی نیست.^۳ یا در رأی دیگری^۴ که مربوط به دعوی خانوادگی بود، مقرر شد که انجام پرسش متقابل به دلیل ترس کودکان از مداخله والدین، بدون حضور والدین صورت گیرد. البته استفاده از فناوری‌های نوین در فرایند پرسش متقابل محدود به دعوی کودکان نیست و امروزه گرایش بر استفاده از فناوری‌های نوین به‌ویژه استفاده از ویدئو کنفرانس به‌طور کلی در فرایند پرسش متقابل به وجود آمده است. از نظر برخی، فناوری جدید با استفاده از ابزار دیجیتالی، روند پرسش متقابل را متحول می‌کند و به وکلا اجازه می‌دهد تا با شهود به‌صورت پویاتری درگیر شوند و استدلال‌های خود را به نحو قانع‌کننده‌تری به قضات یا هیئت منصفه منتقل کنند.^۵

۳. پرسش از شاهد در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران شهادت شهود یکی از ادله مهم و پرکاربرد اثبات دعوا محسوب می‌شود در مواد ۱۳۰۶ تا ۱۳۲۰ قانون مدنی مقرراتی درخصوص توان اثباتی شهادت، شرایط شاهد و شرایط شهادت مقرر شده است. بعد از اصلاحات صورت‌گرفته به موجب قانون اصلاح برخی مواد قانون مدنی، در حال حاضر گواهی ارزش اثباتی گسترده‌ای دارد و در اکثر دعوی قابل استفاده است. با توجه به چنین اهمیتی، منطقی است که قانون‌گذار مقررات مناسبی برای تضمین اعتبار شهادت مقرر کند. شرایط مذکور در مواد ۱۷۷ به بعد قانون مجازات اسلامی و قانون مدنی شامل بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، نداشتن نفع شخصی در دعوا و فقدان دشمنی دنیوی بین گواه و طرف مربوط و عدم اشتغال به تکدی و ولگردی، طهارت مولد است. علاوه بر این قانون‌گذار در فرایند شکلی ادای شهادت نیز مقرراتی برای تضمین اعتبار شهادت شهود پیش‌بینی کرده است. بررسی مقررات شکلی درخصوص فرایند ادای شهادت در قانون آیین دادرسی مدنی، مؤید آن است که امکان سؤال از شاهد به‌صورت محدود در حقوق ایران وجود دارد. مطابق با ماده ۲۳۸ قانون آیین دادرسی مدنی، اجازه پرسش از شاهد را از طریق دادگاه وجود دارد و پرسش متقابل از طرف اصحاب دعوا پیش‌بینی نشده است. همچنین در مواد دیگر قانون آیین دادرسی مدنی، محدودیت‌های دیگری ملاحظه می‌شود که موجب تمایز پرسش از شاهد در حقوق ایران با پرسش متقابل در آمریکا می‌گردد. به‌عنوان نمونه، مطابق با ماده ۲۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه می‌تواند برای تأمین آزادی گواه، گواهی او را بدون حضور اصحاب دعوا استماع کند. در این صورت پس از ادای گواهی، بلافاصله

1. Zajac R. O'Neill, S. and Hayne, H. "Disorder in the courtroom? Child witnesses under cross-examination", *Developmental Review*, Volume 32, Issue 3, 2012, PP 182, 194.

2. Maryland v. Craig, 497 U.S. 836 (1990.)

3. Tanford, A. *The Trial Process: Law, Tactics and Ethics*, P 283.

4. In re Mary S. [No. D003413. Court of Appeals of California.1986.] available at: <https://law.justia.com/cases/california/court-of-appeal/3d/186/414.html/>

5. Hadi, M. "Beyond the Witness Stand: Exploring Modern Approaches To cross Examination in Pakistan", 2023, Available at: <https://ssrn.com/abstract=4483302/>

اصحاب دعوا را از اظهارات گواه مطلع می‌کند. اگرچه بعد از ادای گواهی، اصحاب دعوا از اظهارات گواه مطلع می‌شوند، عدم حضور اصحاب دعوا و وکلای آنها در موقع ادای شهادت، امکان و فرصت طرح برخی سؤالات را از آنها خواهد گرفت. زیرا طبیعی است که عکس‌العمل شهود و نحوه ادای شهادت ممکن است راهنمایی برای وکلا برای طرح سؤالات مناسب باشد.

با توجه به این مقررات، در راستای موضوع پژوهش حاضر سؤال مهمی که پاسخ‌گویی به آن ضروری است، این است که آیا وجود این مقررات توانسته ابزار مناسبی برای تضمین اعتبار شهادت باشد؛ به‌نحوی که ضرورتی به توجه به راهکارهای دیگر همانند پرسش متقابل نباشد؟ به نظر می‌رسد علی‌رغم مناسب بودن بسیاری از مقررات پیش‌بینی شده، وجود برخی خلأهای قانونی از یک طرف و تغییر فرهنگ و باورهای جامعه از طرف دیگر پاسخ مثبت به سؤال اخیر را با دشواری مواجه می‌کند و رویه عملی دادگاه‌ها مؤید آن است که این مقررات تاکنون نتوانسته به‌خوبی صداقت شهود را تضمین کند. به‌نحوی که یکی از علل اصلی اعاده دادرسی در نظام حقوقی ایران را باید شهادت کذب دانست و آرای متعددی در این خصوص در سامانه آرای قضایی قابل ملاحظه است. توجه به این آرا موید آن است که شهادت کذب را باید از معضلات نظام دادرسی ایران محسوب کرد و توجه به راهکارهایی برای تضمین اعتبار شهادت شهود و پیشگیری از شهادت‌های کذب را ضروری دانست. در خصوص خلأهای قانونی باید اظهار داشت که عدم پیش‌بینی معیارهای دقیق و عینی برای تشخیص ایمان و عدالت شاهد، موجب شده این شرایط کارکرد مناسبی نداشته و در عمل در تشخیص عدالت و ایمان به‌نحو مطلوبی عمل نشود. برخی حقوق دانان با انتقاد به رویه قضایی موجود که عدالت شهود را به‌طور ضمنی مورد پذیرش قرار می‌دهد، بر این باورند که احراز شرایطی چون عدالت و ایمان به لحاظ درونی و نفسانی بودن مشکل و راهکارهای احراز عدالت از جمله علم قاضی و تعدیل و جرح را ناکافی است.^۱ از طرف دیگر، مسئله اشتباه و فراموشی شاهد نیز مطرح است که شرایط مقرر شده در قانون از جمله عقل و بلوغ و اختیار در این راستا ناقص به نظر می‌رسند. اهمیت مسئله در مواردی که بین ادای شهادت و تحمل شهادت فاصله زمانی نسبتاً زیادی وجود داشته باشد، بیشتر است و احتمال بروز اشتباه در شهادت شهود قطعاً افزایش خواهد یافت. البته در قانون آیین دادرسی مدنی، امکان اعتراض به اعتبار شاهد از طریق فرایند جرح و تعدیل شهود مطابق با ماده ۲۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی وجود دارد و این مسئله نیز راهکاری در راستای تضمین اعتبار شهادت شهود است. با وجود این، همان‌طور که برخی نویسندگان اشاره کرده‌اند، ضمن اینکه تشخیص عدالت از طریق این فرایند دشوار است، مانعی برای سرعت در دادرسی نیز محسوب می‌شود. مطابق با این نظر، در مواردی که برای مدعی امکان تعدیل شاهد وجود ندارد، قاضی تکلیفی برای تحقیق از شهود ندارد. از سوی دیگر، در صورتی که قاضی از منکر جرح شاهدان مدعی را بخواهد و او هم نتواند او را جرح کند، تحقیق در این مورد نیز بر قاضی واجب نیست. بنابراین به لحاظ عدم تکلیف قاضی برای تحقیق از شهود، تشخیص عدالت دشوار خواهد بود.^۲ از طرف دیگر، یکی از دلایل اهمیت نهاد شهادت در حقوق اسلام باورهای مذهبی فرد مسلمان است که اجازه شهادت کذب را به او نمی‌دهد. در حالی که در جامعه امروزی احتمالاً به دلیل کم‌رنگ شدن این باورها، شاهد سوءاستفاده از مقررات موجود هستیم و شهادت شهود به‌عنوان یکی از ادله معتبر در فقه، آنچنان که باید در حقوق ایران کارایی ندارد. برخی پاک‌سرشتی و صداقت انسان‌ها و فقدان دستاوردهای عملی و تکنیکی را در گذشته از دلایل عدم اهمیت شهادت شهود در جامعه

۱. دارویی، عباسعلی، حسن اسکندری و حسین اسکندری، «تأملی بر چالش‌های شهادت در نظام دادرسی ایران»، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۷، شماره ۶۵، ۱۴۰۰، صص ۱۶۳، ۱۷۴.

۲. همان، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

فعلی عنوان کرده‌اند.^۱ از همین منظر نیز برخی بر این باورند که در اجتماعاتی که افراد به اصول اخلاقی و مذهبی پایبند نباشند، استفاده از شهادت باعث تزییع حقوق افراد می‌شود.^۲ در تأیید این دیدگاه‌ها می‌توان به معضل شهادت دروغین و انتخاب شهادت به‌عنوان حرفه از طرف برخی افراد اشاره کرد. تلاش‌های صورت‌گرفته برای رفع این مشکل مؤید اهمیت مسئله در حقوق ایران است. به‌نحوی که اخیراً به منظور حفظ اعتبار شهادت شهود و جلوگیری از شهادت کذب، بخشنامه‌ای از طرف رئیس قوه قضاییه^۳ صادر شد که به موجب آن سامانه‌ای برای ثبت مشخصات شهود ایجاد و مراجع قضایی مکلف به استعلام وضعیت و سوابق گواهان از آن سامانه شده‌اند. این سامانه دفاعاتی را که یک شخص به‌عنوان شاهد در محاکم کشور حاضر شده در نظر می‌گیرد و به‌صورت هوشمند در هنگام ثبت مجدد آن شخص به‌عنوان شاهد، هشدار این موضوع را به اطلاع قاضی می‌رساند و تاکنون نیز تعداد قابل توجهی از اشخاص از طریق این سامانه کشف شده‌اند. اگرچه این اقدامات را باید گام مناسبی در تحقق عدالت قضایی و پیشگیری از شهادت کذب تلقی کرد، کافی به نظر نمی‌رسد و ضرورت توجه به سایر راهکارها در تسریع تحقق عدالت قضایی کاملاً احساس می‌شود

۴. تبیین ضرورت‌ها و دلایل شناسایی پرسش متقابل در حقوق آمریکا و دلایل عدم شناسایی در حقوق ایران

اهمیت پرسش متقابل در نظام حقوقی آمریکا از یک طرف و عدم شناسایی آن در حقوق ایران را باید در تفاوت‌های مبنایی این دو نظام حقوقی جست‌وجو کرد. در این مبحث به بیان مهم‌ترین تفاوت‌ها می‌پردازیم. شناخت این تفاوت‌ها در تبیین موانع عدم پذیرش این نهاد در حقوق داخلی مفید خواهد بود.

۴.۱. تفاوت نوع نظام دادرسی آمریکا و ایران

تمیز ماهیت نظام‌های دادرسی در شناخت نحوه عملکرد أصحاب دعوا و قضات مؤثر است. یکی از تفاوت‌هایی که می‌تواند توجیه‌کننده تفاوت کشورها در زمینه پذیرش نهاد پرسش از شاهد باشد، تفاوت تاریخی در نوع نظام‌های دادرسی است. نظام‌های دادرسی مدنی به دو دسته اصلی اتهامی و تفتیشی تقسیم شده‌اند. نظام اتهامی که از ویژگی‌های بارز کشورهای کامن‌لایی است، مبتنی بر نقش فعال طرفین دعوا و نقش منفعل قاضی است. در مقابل تفتیشی بودن نظام دادرسی مدنی بدین معناست که قاضی نقش فعالی در دادرسی‌های مدنی دارد. خطوط اصلی نظام تفتیشی، نقش فعال قاضی و اختیارات وسیع قضات، کتبی و سری و تناظری بودن دادرسی عنوان شده است. هدف این نوع دادرسی علاوه بر فصل خصومت، کشف حقیقت است و دادرس با نظارتی که بر دعوا دارد، ضامن رعایت حق دفاع و اصل تقابل منافع طرفین است.^۴ هر یک از این نظام‌ها مزایا و معایب خاص خود را دارند و امروزه اکثر کشورها در جهت رفع معایب هر یک از دو نظام و بهره‌مندی از مزایای هر دو، به نوعی بین آنها جمع نموده‌اند. در هر حال معمولاً نظام حقوقی هر کشور با توجه به ویژگی‌های غالب هر نظام حقوقی، با یکی از این دو عنوان شناخته می‌شوند.

۱. قربان امرجی، محمدزمان و جمشید یحیی‌پور، «بررسی تطبیقی گواهی و ارزش اثباتی آن در نظام حقوقی ایران و انگلیس»، مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۳، شماره ۵۲، ۱۴۰۱، ص ۱؛ احمدوند، خلیل‌الله و حسن تال، «بررسی نقش و جایگاه شهادت در دادگاه»، فصلنامه بین‌المللی قانون‌یار، دوره ۴، شماره ۱۶، ۱۳۹۹، ص ۲۱۷.

۲. توکلی، سعید، «ارزش شهادت و حدود اعتبار آن در نظام حقوقی ایران»، نشریه دادرسی، دوره ۱۰، شماره ۵۶، ۱۳۸۵، ص ۶.

۳. بخشنامه شماره ۱۰۰/۱۹۴۸/۹۰۰۰ مورخ ۱۱/۱/۱۳۹۹ رئیس قوه قضاییه.

۴. محسنی، حسن، «نظام‌های دادرسی مدنی»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۷، شماره ۱، ۱۳۸۶، صص ۸۱-۱۱۵.

نظام دادرسی امریکا متأثر از نظام کامن‌لایی آن گرایش به نظام اتهامی دارد. از این رو تمام مسئولیت از جمله شروع دعوا، شکل دادن به موضوع و فرایند ادله اثبات بر دوش خواهان است و از این حیث نقش قاضی منفعل است. با وجود این، مقررات قانون آیین دادرسی مدنی فدرال امریکا مؤید آن است که این نظام حقوقی اخیراً گرایش به افزایش نقش فعال دادگاه پیدا کرده است. نقش دادگاه در صلح و سازش و نظام کشف دلیل از جمله دلایل این مدعاست. همچنین دو مرحله بودن دادرسی در این نظام حقوقی باعث شده که ویژگی‌های نظام تفتیشی نیز در این مرحله قابل ملاحظه باشد. در واقع همان‌طور که برخی نویسندگان به درستی اظهار داشته‌اند، این ساختار به‌گونه‌ای است که نه فقط مقتضیات اساسی نظام اتهامی از جمله رعایت حق دفاع و بی‌طرفی و تقابل منافع طرفین و علنی و شفاهی بودن و اصل ابتکار خصوصی را نفی نمی‌کند، بلکه به آن با جدیت بیشتری در جهت پیشبرد عدالت می‌پردازد. از سوی دیگر به منظور جلوگیری از اطاله دادرسی و کشف نمودن حقیقت، مرحله تحقیقات مقدماتی را پیش‌بینی می‌کند که مقتضیات دادرسی تفتیشی مدنی را رعایت می‌کند.^۱ در هر حال علی‌رغم تغییرات اخیر در نظام دادرسی امریکا، از نظر حقوق دانان امریکایی، در دست‌بندی نظام‌های حقوقی، نظام حقوقی امریکا را باید نزدیک به نظام اتهامی دانست^۲ و شاید بتوان پرسش از شاهد به‌ویژه پرسش متقابل نیز در راستای این نظام تفسیر کرد که هدایت دعوا از سوی طرفین و وکلای آنها صورت می‌گیرد و نقش قاضی در این خصوص بیشتر جنبه نظارتی دارد.

در مقابل، در نظام حقوقی ایران ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی شروع دعوا را منوط به درخواست اشخاص ذی‌نفع می‌داند و این ماده از نظر برخی حقوق دانان از نشانه‌های تعلق خاطر نویسندگان قانون مدنی به نظام اتهامی و مفهوم خصوصی دعواست.^۳ مواد ۲۹۹، ۳۰۶، ۳۰۷، ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی که دلالت بر اختیار اصحاب دعوا دارند نیز باید در این راستا تفسیر کرد. با وجود این، ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی به نوعی جمع کردن مقتضیات دادرسی اتهامی با دادرسی تفتیشی است. به نحوی که می‌توان بیان برخی حقوق دانان را مورد تأیید قرار داد که علی‌رغم عدم تصریح، درجه‌ای از مفهوم قاضی فعال در نظام حقوقی ما وجود دارد و رویه قضایی نیز از فعال بودن قاضی استقبال کرده است.^۴ از این تحلیل این نتیجه حاصل می‌شود که باینکه نظام حقوقی ایران را نمی‌توان به‌طور دقیق در قالب یکی از دو نظام قرار داد، با وجود این، فعال بودن نقش قاضی می‌تواند از دلایل عدم توجه به پرسش متقابل در ایران باشد و در زمینه استماع شهادت شهود نیز اختیارات دادگاه بیشتر از طرفین است و پرسش از شاهد توسط قاضی صورت می‌گیرد. اقتباس این ماده از قانون فرانسه نیز دلیل دیگری برای تأیید این ادعاست. در واقع به لحاظ اینکه قانون آیین دادرسی مدنی ایران با تأثیرپذیری از کد آیین دادرسی مدنی ۱۸۰۶ ناپلئون گرفته شده، در این زمینه مشابه با نظام‌های رومی-ژومنی عمل شده است. به نحوی که برخی حقوق دانان ریشه ماده ۸ قانون پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ در ماده ۱۰ کد آیین دادرسی مدنی ۱۹۷۵ فرانسه و تفکر افزایش اختیارات دادرسی مدنی دانسته‌اند.^۵ با این تحلیل، عوامل تاریخی عدم اقبال قانون‌گذار ایران به نهاد پرسش از شاهد روشن می‌شود. در واقع باید پذیرفت که مبانی تاریخی متفاوت، موجب عدم پیش‌بینی پرسش متقابل در حقوق ایران شده است. با وجود این، با توجه به توضیحات مطرح شده در خصوص مبانی این

^۱. همان، ص ۱۰۱.

^۲. Friedenthal, J. miller, A. sexton, J. and Hershkoff, H. *Civil procedure, Case and Materials*, 11th Edition, American Case Book Series, 2013. P 2.

^۳. همان، ص ۱۰۴.

^۴. همان، ص ۱۰۹.

^۵. کاتوزیان، ناصر، *اثبات و دلیل اثبات*، جلد ۱، تهران: میزان، ۱۳۹۵، ص ۴۵.

دو نظام حقوقی، در تحلیل نهایی باید پذیرفت که شناسایی پرسش متقابل از شهود در حقوق ایران چندان با مبانی نظام دادرسی ایران بیگانه نیست و ضمن حفظ قوانین موجود می‌توان از مزایای پرسش متقابل نیز بهره برد. زیرا اولاً نشانه‌هایی از نظام اتهامی در حقوق ایران نیز ملاحظه می‌شود؛ ثانیاً تمایل رویه قضایی آمریکا در افزایش اختیارات قضات در فرایند پرسش متقابل و گرایش به نظام تفتیشی در این فرایند نیز موجب نزدیک شدن مبانی دو نظام حقوقی در عمل شده است. بنابراین علی‌رغم اختلافات مبنايي ظاهري دو نظام حقوقی، می‌توان ضمن پذیرش پرسش متقابل در حقوق ایران، با پیش‌بینی اختیارات مناسب برای قضات در جهت نظارت و مدیریت این فرایند انطباق آن با سایر مقررات موجود در نظام حقوقی ایران را نیز امکان‌پذیر کرد.

۴.۲. وجود نهادهای خاص در آمریکا

یکی از تفاوت‌های نظام حقوقی آمریکا با سایر نظام‌های حقوقی وجود نهادهای خاص در این نظام حقوقی است و اهمیت پرسش از شاهد را باید در راستای سایر مفاهیم موجود در این نظام حقوقی تفسیر کرد. نظام کشف دلیل و هیئت منصفه از جمله مهم‌ترین نهادهایی که به لحاظ ارتباط نزدیک با پرسش متقابل می‌توان مورد توجه قرار داد. در نظام حقوقی آمریکا دو مرحله برای رسیدگی پیش‌بینی شده است: مرحله مقدماتی یا پیش از محاکمه و مرحله محاکمه. در واقع پس از به جریان افتادن دعوا، اقداماتی قبل از محاکمه اصلی صورت می‌گیرد و احتمال حل‌وفصل دعوا در این مرحله وجود دارد. کشف پیش از محاکمه یکی از ویژگی‌های بارز نظام قضایی امریکاست. در این نظام حقوقی طرفین مکلف به ارائه دلایل هستند و کشف دلیل یک وظیفه خصوصی است. در قوانین فدرال^۱ و همچنین ایالات مختلف، روش‌های مختلفی برای تحصیل اطلاعات از طرف مقابل و شهود پیش‌بینی شده است. از این میان، یکی از روش‌های مهم افشای دلیل، استماع شهادت شهود است.

هیئت منصفه در دعاوی حقوقی از دیگر نهادهای خاص نظام حقوقی آمریکا محسوب می‌شود که می‌توان آن را از عوامل توجه بیشتر به نهاد پرسش متقابل در حقوق آمریکا دانست. در اصلاحیه هفتم قانون اساسی آمریکا با هدف محدود کردن اختیارات دولت در محروم کردن افراد از دسترسی به هیئت منصفه و در راستای حفظ حقوق مردم، در برخی دعاوی حقوقی هیئت منصفه پیش‌بینی شده است.^۲ همچنین به موجب ماده ۳۸ قانون آیین دادرسی فدرال حق دسترسی به هیئت منصفه در دعاوی حقوقی یکی از حقوق اصحاب دعوا به شمار می‌رود. البته وجود این حق بستگی به ماهیت ادعا، جبران مورد مطالبه و خوانده دعوا دارد. این نهاد اگرچه از یک طرف ریشه در کامن‌لای بی بودن آمریکا دارد، اهمیت و قلمرو استفاده از آن در آمریکا از سایر نظام‌های حقوقی کامن‌لای بی مانند انگلیس و استرالیا نیز بیشتر است.^۳ در حقوق آمریکا هیئت منصفه در دعاوی حقوقی تا حدی دارای اهمیت است که از نظر برخی حقوقدانان به‌عنوان سنگ‌بنای این نظام حقوقی توصیف شده است.^۴ هدف از به‌کارگیری هیئت منصفه مداخله افکار عمومی جامعه و توجه به خواسته‌های عمومی در رسیدگی‌های قضایی است. انتخاب اعضای هیئت منصفه از بین صنوف مختلف جامعه و فقدان تخصص و اطلاعات حقوقی آنها موجب شده که هیئت منصفه در تصمیم‌گیری‌ها براساس انصاف و وجدان عمل کنند. به همین دلیل از نظر

^۱ ماده ۲۶ تا ۳۷ قانون آیین دادرسی مدنی فدرال آمریکا.

^۲ Czerwien, J. "Preserving the Civil Jury Right, Reconsidering the Scope of the Seventh Amendment", *Case Western Reserve Law Review*, Volume 65, Issue 2, 2014, P 430.

^۳ Horan, J. "Perceptions of The Civil Jury System", *Monash University Law Review*, Vol 31, 2005, P 121.

^۴ Liegner, C. "a modern look at the right to a Civil Jury Trial Under the Maine Constitution", *Maine Law Review*, Volume 69, 2017, P 173.

برخی حقوق دانان، تصمیمات هیئت منصفه در مقایسه با قضاات واجد انعطاف پذیری است و با نیازهای جامعه انطباق بیشتری دارد. به طوری که از هیئت منصفه به عنوان صدای ارزش های جامعه یاد می شود.^۱ اهمیت این نهاد در حقوق امریکا به حدی است که وکلا در جلسات رسیدگی تمام تلاش خود را برای اقناع اعضای هیئت منصفه به کار می برند که قطعاً با توجه غیرمتخصص بودن اعضای هیئت منصفه و عوام بودن آنها امکان تأثیرپذیری و اقناعشان در مقایسه با قضاات متخصص بیشتر باشد. صرف نظر از معایب یا مزایای این مسئله، که بررسی آن در این مقال نمی گنجد^۲، طبیعی است که پرسش متقابل نیز در این نظام حقوقی اهمیت داشته باشد و با استفاده از نهاد پرسش متقابل وکلا نهاد سعی در اقناع هیئت منصفه دارند. با این تحلیل می توان هیئت منصفه و پرسش از شاهد را به نوعی مکمل هم دانست.

در مقابل، در نظام حقوقی ایران علی رغم پیش بینی مقرراتی در خصوص افشای اسناد در مواد ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی، اهمیت کشف و آثار آن به اندازه حقوق امریکا نیست و استماع شهادت شهود در فرایند کشف و افشای دلایل مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین در حقوق ایران استفاده از هیئت منصفه محدود است و به موجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی صرفاً در محاکمات سیاسی و مطبوعاتی پیش بینی شده است. بنابراین طبیعی است که پرسش متقابل نیز اهمیتی به اندازه امریکا نداشته و مورد توجه قانون گذار ایران قرار نگرفته باشد. با وجود این، این مسئله مانعی جدی برای عدم استفاده از مزایای پرسش متقابل در ایران به نظر نمی رسد. زیرا پیش بینی پرسش متقابل نه به عنوان جایگزینی برای راهکارهای فعلی، بلکه به عنوان راهکاری در کنار سایر راهکارهای موجود و به عنوان مکمل مقررات فعلی در راستای تضمین اعتبار شهادت شهود در ایران است. در واقع همان فرایندی که در امریکا برای اقناع هیئت منصفه به کار گرفته می شود، در ایران در راستای اقناع قاضی و مساعدت به او برای تضمین اعتبار شهادت شهود قابل استفاده خواهد بود.

۴.۳. عدم وجود راهکارهای دیگر برای تضمین صداقت شاهد

یکی دیگر از دلایل توجه به پرسش متقابل در حقوق امریکا را می توان فقدان راهکارهای قانونی برای تضمین صداقت شاهد دانست. در واقع برخلاف بسیاری از نظام های حقوقی که شرایطی برای شهود در قوانین مقرر کرده اند، در امریکا شرایط و محدودیت های چندانی برای شهود در قانون ادله وجود ندارد و مطابق مواد ۶۰۹ و ۶۱۰ این قانون حتی اعتقادات مذهبی، ارتکاب جرائم یا رابطه با طرف دعوا از موانع محسوب نمی شوند. همان طور که برخی نویسندگان اشاره کرده اند، این مسئله ممکن است موجب شگفتی کسانی شود که با نهاد پرسش از شاهد طرف مقابل در نظام های کامن لا آشنایی ندارند. زیرا آنچه بیش از همه در این نظام حقوقی اهمیت دارد، احراز صحت شهادت است و سؤال از شاهد طرف مقابل معیار مطمئنی برای آن است.^۳

در مقابل در حقوق ایران دلیل اصلی عدم توجه به پرسش متقابل را می توان وجود راهکارهای دیگر برای تضمین صداقت شاهد دانست. در واقع قانون گذار ایران شرایط مقرر شده برای شهود را برای تضمین اعتبار شهود کافی دانسته و ضرورتی به توجه به راهکارهای دیگر احساس نکرده است. در خصوص شرایط مقرر شده و ناکافی بودن آن در مباحث قبل به تفصیل

^۱ Ryan, J. "The American Trial Jury, Current Issues and Controversies", *Social Education; Arlington*, Volume 63, Issue 7, 1999, P 458.

^۲ برای مطالعه در این خصوص ر.ک به: صفری، ناهید و پرویز دهقانی، «هیئت منصفه در دعاوی حقوقی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر (فقه و حقوق اسلامی سابق)*، دوره ۱۰، شماره ۱۸، ۱۳۹۸، صص ۱۲۵-۱۴۹.

^۳ ریاضی، پیشین.

سخن گفتیم و با وجود چنین راهکارهایی، به لحاظ مشکلات عملی در این عرصه، توجه به سایر راهکارها برای تضمین اعتبار شهادت شهود همچنان ضروری است.

نتیجه گیری

اهمیت و کارکرد وسیع شهادت شهود در نظام حقوقی ایران، ضرورت توجه به راهکارهای مناسب برای تضمین اعتبار شهادت شهود را مطرح می‌کند. در نظام حقوقی ایران، قانون‌گذار به تبعیت از فقه با پیش‌بینی شرایطی برای شهود و پیش‌بینی پروسه‌ای به‌منظور جرح و تعدیل شهود و پرسش از شاهد توسط دادگاه، مقرراتی را در راستای تضمین شهادت شهود پیش‌بینی کرده است. با این حال، وجود معضلی همانند شاهدان دروغین یا حرفه‌ای در حقوق ایران، مؤید ناکافی بودن این مقررات بوده و ضرورت توجه به راهکارهای دیگر را مطرح می‌کند. در این راستا استفاده از تجارب سایر نظام‌های حقوقی می‌تواند راهگشا باشد که در پژوهش حاضر با چنین رویکردی، نهاد پرسش متقابل از راهکارهای نظام حقوقی امریکا مورد توجه قرار گرفته است. در این نظام حقوقی، پرسش متقابل از شاهد به منظور رفع مشکلات مربوط به غیرقابل اعتماد بودن، کذب بودن و فراموشی شاهد ایجاد شده است. در مقابل، در حقوق ایران پرسش از شاهد از طرف اصحاب دعوا امکان‌پذیر نیست و اصولاً پرسش‌های ضروری از طرف دادگاه طرح می‌شوند. علت این تفاوت را باید در تفاوت‌های این دو نظام حقوقی دانست. اتهامی بودن نظام حقوقی امریکا از حیث تاریخی، دلیل توجه به این نهاد را در امریکاست. از طرف دیگر وجود مفاهیمی همانند افشای دلایل و هیئت منصفه خاص در حقوق امریکا از عواملی است که به‌عنوان مکمل پرسش متقابل عمل می‌کنند. در حالی که این مفاهیم در حقوق ایران وجود ندارند. وجود راهکارهای قانونی دیگر از جمله مقرر کردن شرایط خاص برای شهود در جهت تضمین صداقت او را باید از دیگر دلایل عدم توجه به این نهاد در حقوق ایران دانست.

اگرچه نظام حقوقی ایران برخی تفاوت‌های مبنایی با نظام حقوقی امریکا دارد و اصولاً کارکرد مثبت یک نهاد در یک نظام حقوقی را با توجه به سایر نهادهای موجود در آن نظام حقوقی باید تحلیل کرد، بررسی ویژگی‌ها و مزایای پرسش متقابل و مبنایی و دلایل و ضرورت‌های پذیرش آن در پژوهش حاضر، مؤید آن است که از حیث مبنایی مشکل جدی برای پذیرش آن در حقوق ایران وجود ندارد. در واقع با توجه به اینکه نشانه‌های دادرسی اتهامی در نظام دادرسی مدنی ایران وجود دارد و رویه قضایی امریکا نیز تمایل به افزایش اختیارات قضات در فرایند پرسش متقابل دارد، مبنایی دو نظام حقوقی در عمل به یکدیگر نزدیک شده‌اند. اگرچه فقدان ساختارهای موجود در حقوق امریکا از جمله هیئت منصفه و اهمیت افشای دلایل کارکرد آن را در ایران متفاوت خواهد نمود، اما با توجه به اینکه این نهاد به‌عنوان جایگزین مقررات فعلی پیشنهاد نمی‌شود، بلکه به‌عنوان راهکاری در کنار راهکارهای موجود قابل طرح است، بیم از تفاوت در مبنایی دو نظام حقوقی نباید موجب عدم پذیرش آن شود. در واقع می‌توان ضمن حفظ قوانین موجود و رفع خلأهای قانونی، با پیش‌بینی پرسش متقابل به‌عنوان راهکاری مکمل سایر راهکارهای موجود، با پدیده شوم شاهدان دروغین مبارزه کرد. البته در راستای رفع معایب و از بین بردن احتمال سوءاستفاده و همچنین به منظور انطباق بیشتر این مفهوم با مبنایی نظام دادرسی ایران، لازم است چهارچوب قانونی مناسبی برای آن در نظر گرفته شود. نظارت قاضی و پیش‌بینی اختیارات مناسب برای قاضی به‌منظور ایجاد برخی محدودیت‌ها از جمله پیشنهادهاى نگارنده است. تجویز پرسش متقابل از طرف اصحاب دعوا در کنار پیش‌بینی اختیارات مناسب برای قاضی، ضمن اینکه بیم تخطی از اصول نظام حقوقی ایران را برطرف می‌کند، فرصتی برای قضات در جهت تشخیص اعتبار شهادت شهود را فراهم می‌آورد. همچنین در شرایط فعلی

برای کاهش مشکلات مربوط به شهادت کذب، قضات می‌توانند در راستای اختیارات مندرج در ماده ۱۹۹ قانون دادرسی مدنی و تا حدی که مغایر با قاعده منع تحصیل دلیل نباشد، با طرح سؤالات متعدد و با به چالش کشیدن شهود، اعتبار شهادت شهود را ارزیابی کنند. در نهایت پیشنهاد می‌شود مواد ۲۳۷ و ۲۳۸ قانون آیین دادرسی مدنی به شرح زیر اصلاح شود:

ماده ۲۳۷: در مواردی که گواه دلایل موجهی داشته باشد که مورد قبول دادگاه قرار گیرد، دادگاه می‌تواند گواهی او را بدون حضور اصحاب دعوا استماع نماید. در این صورت پس از ادای گواهی بلافاصله اصحاب دعوا را از اظهارات گواه مطلع می‌سازد و اصحاب دعوا می‌توانند پرسش‌های مربوط به دعوا را مطابق با ماده ۲۳۸ از گواهان بپرسند.

ماده ۲۳۸: هیچ‌یک از اصحاب دعوا یا وکلای آنها نباید اظهارات گواه را قطع کنند، لکن پس از ادای گواهی می‌توانند سؤالاتی مربوط به دعوا را از گواه به عمل آورند.

منابع

کتاب

۱. کاتوزیان، ناصر، *اثبات و دلیل اثبات*، جلد ۱، تهران: میزان، ۱۳۹۵.

مقاله

۲. احمدوند، خلیل‌الله و حسن تال، «بررسی نقش و جایگاه شهادت در دادگاه»، *فصلنامه بین‌المللی قانون‌یار*، دوره ۴، شماره ۱۶، ۱۳۹۹، صص ۲۱۵-۲۳۰.
۳. تقی‌پور، علیرضا، «محدودیت‌های حق پرسش متهم از شاهد در قواعد دادرسی و رویه قضایی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی»، *نشریه مطالعات حقوق تطبیقی معاصر (فقه و حقوق اسلامی سابق)*، دوره ۱، شماره ۲، ۱۳۹۰، صص ۱۹-۴۳.
۴. توکلی، سعید، «ارزش شهادت و حدود اعتبار آن در نظام حقوقی ایران»، *نشریه دادرسی*، دوره ۱۰، شماره ۵۶، ۱۳۸۵، صص ۶-۱۱.
۵. دارویی، عباسعلی، حسن اسکندری و حسین اسکندری، «تأملی بر چالش‌های شهادت در نظام دادرسی ایران»، *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، دوره ۱۷، شماره ۶۵، ۱۴۰۰، صص ۱۷۷-۱۵۹.
۶. ریاضی، علی اکبر، «پرسش از شاهد طرف مقابل»، *مجله کانون وکلای*، دوره جدید، شماره ۱۵۰ و ۱۵۱، ۱۳۶۹، صص ۱۶۴-۱۴۴.
۷. صفری، ناهید و پرویز دهقانی، «هیئت منصفه در دعاوی حقوقی»، *مطالعات حقوق تطبیقی معاصر (فقه و حقوق اسلامی سابق)*، دوره ۱۰، شماره ۱۸، ۱۳۹۸، صص ۱۴۹-۱۲۵.
۸. قربان امرجی، محمدزمان و جمشید یحیی‌پور، «بررسی تطبیقی گواهی و ارزش اثباتی آن در نظام حقوقی ایران و انگلیس»، *مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، دوره ۱۳، شماره ۵۲، ۱۴۰۱، صص ۱-۲۱.
۹. محسنی، حسن، «نظام‌های دادرسی مدنی»، *فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۳۷، شماره ۱، ۱۳۸۶، صص ۱۱۵-۸۱.

References

Books

1. Friedenthal, J. miller, A. sexton, J. and Hershkoff, H. *Civil procedure, Case and Materials*, 11TH Edition, American Case Book Series, 2013.
2. Katouzian, Nasser, *Proof and Evidence of Proof*, First Volume, Tehran: Mizan, 2016. (in Persian)
3. Tanford, A. *The Trial Process: Law, Tactics and Ethics* – Chapter 7 Cross-Examination, Carolina Academia Press, Fourth Edition, 2010.
4. Wellman, F. *The Art of Cross Examination*, New York: The New York times review, 2014.

5. Wigmore, John Henry. *Evidence in Trials at Common Law*, Volume 11, Little, Brown, 1985.

Articles

6. Ahmadvand, Khalilollah and Hassan Taal, "A Study of the Role and Status of Testimony in Court", *International Quarterly Journal of Ghanoun-Yar*, Volume 4, Issue 16, 2020. (in Persian)
7. Bowden, P. Plater, D. "Balancing Fairness to Victims, Society and Defendants in Cross Examination of Vulnerable Witness: an Impossible Triangulation?", *Melbourne University Law Review*, Volume 37, 2014.
8. Czerwien, J. "Preserving the Civil Jury Right, Reconsidering the Scope of the Seventh Amendment", *Case Western Reserve Law Review*, Volume 65, Issue 2, 2014.
9. Darouei, Abbas Ali, Hassan Eskandari and Hossein Eskandari, "Contemplation on the Challenges of Testimony in the Iranian Judicial System", *Journal Research on Islamic Jurisprudence and Law*, Volume 17, Issue 65, 2021. (in Persian)
10. Fluet, C. Lanzi, T. "Cross-Examination", *Centre de recherche sur les risques les enjeux économiques et les politiques publiques*, 2021, Available at: <https://ssrn.com/abstract=3959937/>
11. Ghorban Amarji, Mohammad Zaman and Jamshid Yahya-Pour, "Comparative Study of Testimony and Its Probative Value in the Iranian and English Legal Systems", *Journal of Political and International Researches*, Volume 13, Issue 52, 2022. (in Persian)
12. Hadi ,M. "Beyond the Witness Stand: Exploring Modern Approaches To cross Examination in Pakistan", 2023, Available at: <https://ssrn.com/abstract=4483302/>
13. Horan, J. "Perceptions of The Civil Jury System", *Monash University Law Review*, Volume 31, 2005.
14. Liegner, C. "a Modern Look at the Right to a Civil Jury Trial Under the Maine Constitution", *Maine Law Review*, Volume 69, 2017.
15. Malone, P. "Burying the Ten Commandments of Cross-Examination", *Litigation*, Volume 43, Issue 1, 2016.
16. Mohseni, Hassan, "Civil Procedure Systems", *Private Law Studies Quarterly*, Volume 37, Issue 1, 2007. (in Persian)
17. Riazi, Ali Akbar, "Questioning the Other Side's Witness", *Journal of the Bar Association*, New Volume, Issue 150 and 151, 1990. (in Persian)
18. Ryan, J. "The American Trial Jury, Current Issues and Controversies", *Social Education; Arlington*, Volume 63, Issue 7, 1999.
19. Safari, Nahid and Parviz Dehghani, "Jury in Civil Claims", *Journal of Contemporary Comparative Legal Studies (Former Islamic Jurisprudence and Law)*, Volume 10, Issue 18, 2019. (in Persian)
20. Taghi-Pour, Alireza, "Restrictions of Examination of Witness in Rules of Procedure and Jurisprudence of International Criminal Courts", *Journal of Contemporary Comparative Legal Studies (Former Islamic Jurisprudence and Law)*, Volume 1, Issue 2, 2011. (in Persian)
21. Tanford, A. "Keeping Cross-Examination Under Control", *American Journal of Trial Advocacy*, Volume 18, 2002.
22. Tavakoli, Saeed, "The Value of Testimony and the Limits of Its Validity in the Iranian Legal System", *Journal of Trial*, Volume 10, Issue 56, 2006. (in Persian)
23. White, Penny. "Examination, Cross-Examination, and Redirect Examination", 2015. Available at: https://www.sog.unc.edu/sites/default/files/course_materials/White_Examination.pdf/
24. Zajac R. O'Neill, S. and Hayne, H. "Disorder in the Courtroom? Child Witnesses under Cross-Examination", *Developmental Review*, Volume 32, Issue 3, 2012.